

بومی‌گرایی در علوم سیاسی؛ کدام جهت‌گیری؟

دکتر حسین جمالی*

چکیده

علوم سیاسی به مثابه یک رشته دانشگاهی، علمی است متکثر و متنوع، به گستره سیاست در همه ابعاد آن. در ایران بعد از انقلاب اسلامی، بحث در مورد بومی‌گرایی در همه امور از جمله علوم مدرن مطرح بوده؛ اما ظاهراً در سال‌های اخیر، بومی‌کردن علوم انسانی و در پی آن علوم سیاسی، قوت و شدت بیشتری یافته است. حال، پرسش این است که بومی‌گرایی در علوم سیاسی به چه معناهایی است؟ و کدام‌یک از آنها، برتری دارد؟ یافته‌ها و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بخش مهمی از بومی‌گرایی در مباحث آموزشی رشته علوم سیاسی، تحقق یافته و در حال عملی شدن است. پژوهش‌های سیاسی نیز کاملاً جهت‌گیری بومی داشته و روند قابل قبولی را نشان می‌دهند. تحول ماهوی علوم سیاسی به دلیل شخصی شدن این

* عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران (hoosein.jamali@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۱۸

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۰، صص ۶۳-۹۷.

دانش، انزوای دانش سیاسی ایران از علوم سیاسی جهان، ناتوانی علمی ایران در نیل به چنین امر خطیری و از دست رفتن ویژگی‌های انتقادی و حقیقت‌جویی علوم سیاسی، بی‌اعتبار و غیرلازم است.
واژه‌های کلیدی: علوم سیاسی، بومی‌گرایی، دانش سیاسی ایرانی، پژوهش سیاسی، دانشگاه سیاسی اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

رشته علوم سیاسی در ایران با سابقه بیش از یک‌صد ساله خود، تغییرات نسبتاً گسترده‌ای را در زمینه نظام آموزشی و واحدهای درسی، به خود دیده که شاید تحولات بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، مهم‌ترین آن تلقی شود. تطابق رشته علوم سیاسی با محیط و شرایط ایران و جهان، اصلی‌ترین جهت‌گیری حاکم بر این تغییرات و تحولات بوده است. اگر این روند را «بومی‌گرایی» در علوم سیاسی بنامیم، ظاهراً از ابتدای تأسیس این رشته، این امر، مد نظر صاحب‌نظران و متولیان آن بوده است؛ با این وجود، در سال‌های اخیر، به‌ویژه سال ۱۳۸۸، مطالبه بومی‌گرایی برای علوم سیاسی در ایران، شتاب و روند تازه‌ای به خود گرفته و این بار تقاضای تحول بنیادین در ماهیت رشته علوم سیاسی، در دستورکار قرار گرفته است. روند تاریخی دوره اخیر، نشانگر آن است که ابتدا مجله علوم سیاسی، وابسته به دانشگاه باقرالعلوم (ع) - که خود از مراکز وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم است - به طرح پرسش و انجام گفت‌وگو، در زمینه «علم سیاست ایرانی» پرداخت.^(۱) آنگاه مقالاتی از سوی برخی‌ها از جمله یکی از اساتید دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، با همین جهت‌گیری، در چند شماره آن مجله، چاپ و انتشار یافت. به نظر این نویسنده، غیربومی بودن، غیر مولد بودن و غیرکاربردی بودن علم سیاست، از مهم‌ترین ویژگی علم سیاست غالب در ایران امروز است.^(۲) وی در مقاله‌ای دیگر، تصویر مناسب‌تری از ایده‌ها و اندیشه‌های خود را ترسیم کرد:

هژمونی آموزه‌های علمی سیاسی مدرنیستی و فرامدرنیستی غربی، پارادایم غالب علمی و آموزشی سیاسی دانشگاه‌ها و حتی به تدریج مراکز علمی، آموزشی و

پژوهشی حوزوی را درمی‌نوردد. بحرانی‌بودن و بحران‌زایی دانش سیاسی جدید، از سویی، و پیشینه و پشتوانه مدنی ایرانی و اسلامی از سوی دیگر، و نیز هوشمندی، نوگرایی و باورمندی نیروها و نهادهای ایران اسلامی، تجدید یا تأسیس دانش سیاسی را ایجاب می‌کنند. اصلاح ساختار سیاسی و علمی کشور همراه با ترسیم و اجرای طرح و برنامه راهبردی، زایش یا بازسازی این چنین دانش سیاسی متعادل، متعال و کارآمدی را فراهم می‌سازد.

مقاله حاضر گذری به این فرایند دارد؛ فرایند گذار دانش سیاسی طبیعی ماکیاولیستی - هابزی به دانش طبیعی سیاسی و نمودشناسانه پوزیتیویستی، و این دانش به دانش یا آموزه‌های علمی سیاسی فرامدرنیستی، و آن به علم سیاسی اسلامی و ایرانی یا علم سیاسی انسانی، متعادل و متعالی^(۳) چنانچه متن فوق، نشان می‌دهد تأسیس علم سیاسی اسلامی - ایرانی، از اهداف پروژه بومی‌سازی علوم سیاسی است. در تحلیل دیگری آمده: تبیین تفصیلی و ترسیم نظام علم سیاست متعالی و راهبردی، فلسفه علم سیاسی متعالی، روش‌شناسی تحلیلی و راهبردی - علمی سیاست، معرفت‌شناسی سیاسی و علمی سیاسی، شناخت علمی سیاسی و حتی علم کلام سیاسی، علم تفسیر سیاسی قرآن، علم اخلاق سیاسی اعم از فردی، جمعی و اجتماعی تا بین‌المللی، امتی و بین‌امتی و جهانی و حتی علم عرفان سیاسی اعم از نظری و عملی، به عنوان زیرمجموعه نظام علمی سیاسی راهبردی، از مهم‌ترین ضرورت‌ها در راستای توسعه علم سیاست نظری و عملی راهبردی و متعالی هستند. نقادی علم سیاسی متعارف، مدرنیستی و حتی پسامدرنیستی از جمله گرایش‌های هرمنوتیکی و گفتمانی معناکاوانه از سویی و نگرش‌های علمی پوزیتیویستی سیاسی از دیگر سو، نقطه عزیمت این حرکت بوده و گرایش به نظریه‌پردازی و آن‌گاه نظریه‌سازی، از ارکان این فرایند تولیدی و تأسیس اندیشه و علم سیاست متعالی محسوب می‌شوند.^(۴)

سرانجام، در سال ۱۳۸۸، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، طی فراخوانی برای همایش چشم‌انداز دانش سیاسی در ایران، خواستار «تعریف مقومات هویتی شاخه‌های دانش سیاسی بر پایه نظام‌های معرفتی اسلامی» شد؛^(۵) به علاوه، مجله

معرفت سیاسی، وابسته به مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، در همین سال، طی سخن نخست خود، «مهم‌ترین آفت دانش سیاسی» را «بیگانگی آن با ارزش‌های دینی از سویی و آمیختگی آن با فکر و ذهنیت غربی از سویی دیگر» دانست. در این راستا، نویسنده سخن نخست این نشریه، خواستار «عینیت یافتن انقلاب فرهنگی و طراحی الگوهای آموزش سیاسی در دانشگاه‌ها بر مبنای اسلام و ارزش‌های دینی» شد و حتی، برای نیل به این هدف، «تدوین متون مناسب، تولید نظریه‌های علمی و تربیت مربیان متعهد به اسلام و ارزش‌های دینی» را «امری ضروری» اعلام کرد.^(۱) بر اساس متون ارائه‌شده، حداقل، دو مطالبه و یک آموزه در این وجه از بومی‌گرایی در قالب تحول‌خواهی نوین، قابل تشخیص است: (۱) تأسیس علم سیاست ایرانی - اسلامی با هویتی ویژه؛ متفاوت از علوم سیاسی متعارف و حتی بدیل آن؛ (۲) ضرورت کاربردی و بومی‌شدن مسائل و موضوعات علوم سیاسی ایران؛ (۳) علوم سیاسی در ایران بیشتر دارای جهت‌گیری غربی بوده و موضوعات ایرانی و اسلامی در آن دارای وجه حداقلی است.

حال با این روند طی شده و در حال جریان، دو پرسش اساسی پیش می‌آید: نخست، آیا روند بومی‌گرایی در علوم سیاسی ایران، دچار چنان کاستی و نارسایی جدی است که باید چنین ایده‌ها و پروژه‌هایی برای آن طراحی کرد؟ دوم، به چه میزان، چنین ایده‌ها و طرح‌هایی، دارای بنیان‌های علمی و پژوهشی است و امکان تحقق آن وجود دارد؟ به دیگر سخن، آیا تحول ماهوی علوم سیاسی در ایران - یا همان بومی‌کردن - اساساً ضرورت علمی دارد و آیا اساساً امکان‌پذیر است؟ ابتدا و به عنوان پیش‌زمینه، دو جهت‌گیری در بومی‌گرایی ارائه می‌شود تا دو معنای بومی‌گرایی، وضوح و روشنی مناسبی پیدا کند؛ سپس روند بومی‌گرایی در علوم سیاسی ایران تجزیه و تحلیل می‌شود که حاصل آن، چگونگی تحقق یا عدم تحقق وجوه بومی‌گرایی در علوم سیاسی است. این بررسی، در پاسخ به پرسش بالا و نیز ارزیابی یک آموزه و مطالبه تشخیص داده‌شده است. آنگاه، وضعیت علوم سیاسی بررسی و تحلیل می‌شود که هدف از آن، نشان دادن چگونگی تنوع و تکثر در این رشته علمی برای ارزیابی ایده تأسیس این دانش با هویتی نوین و حتی جایگزین علوم سیاسی متعارف است. سپس، در پایان، ضمن بررسی ضرورت علمی یا انگیزه

سیاسی برای تحول ماهوی علوم سیاسی، استدلال بر ردّ چنین رویکردی ارائه می‌شود. در نهایت، برخی چاره‌جویی‌ها برای تقویت و غنای روند درست بومی‌گرایی علوم سیاسی در ایران پیشنهاد خواهد شد. پیش از طرح مباحث، فرضیه‌های تحقیق هم به شرح زیر ارائه می‌شود: وجوه اصلی بومی‌شدن علوم سیاسی در ایران، طی سالیان متمادی، تحقق یافته و در حال عملی‌شدن است که در این صورت، بومی‌کردن این رشته با رویکرد جدید، ضمن آنکه از روی ضرورت علمی نیست و بیشتر از سر انگیزه سیاسی است، به دلیل شخصی و خصوصی کردن علوم سیاسی در ایران، بی‌اعتبار و غیر لازم است.

دو جهت‌گیری در بومی‌گرایی

هنگامی که از «بومی‌گرایی» در علوم انسانی (در سطح کلان) و علوم سیاسی (در سطح خرد)، سخن به میان می‌آید، به نظر می‌رسد، بین دو مفهوم «بومی‌شدن» و «بومی‌کردن»، تفاوت معناداری وجود داشته باشد. «بومی‌شدن» به معنای روند تدریجی ارتباط و پیوند یک دانش با محیطی غیر از خاستگاه اولیه‌اش است؛ روندی که از باب تقریب و تمثیل و به تعبیر فردریک هایک، نام «نظم خودجوش و طبیعی»^(۳) را می‌توان بدان داد؛ اما «بومی‌کردن» به معنای تنظیم برنامه‌ای خاص از سوی گروهی خاص با اهدافی خاص برای حل و هضم یک دانش در محیطی غیر از خاستگاه اولیه آن، همراه با تحول بنیادین است؛ امری که با استفاده از تعبیر هایک و از باب تقریب و تمثیل، می‌توان نام «نظم مصنوعی و خود ساخته»^(۴) را بدان نهاد.

بومی‌شدن یا بومی‌کردن علوم سیاسی در ایران، می‌تواند به سه گونه ترسیم شود: ۱) افزایش مباحث آموزشی مربوط به جامعه و حکومت ایران در رشته علوم سیاسی؛ ۲) کاربردی کردن پژوهش‌های سیاسی در ایران؛ ۳) تغییر ماهیت و محتوای علوم سیاسی. به نظر می‌رسد، مطابق این وجه اخیر، تجدید نظر در مبانی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه علوم سیاسی ضرورت دارد تا از این طریق، «دانش سیاسی ایرانی» تولد یابد که البته، تعبیر «دانش سیاسی اسلامی»، مشابه و معادل دیگر آن است. آنجا که سخن از «تعریف مقومات هویتی شاخه‌های دانش سیاسی بر پایه نظام‌های معرفتی اسلامی» است، گویا دلالت بر همین دیدگاه و تحلیل دارد.

به نظر می‌رسد، بومی‌شدن، تنها متضمّن دو گونه نخست بالاست؛ درحالی‌که بومی‌کردن اساساً بر وجه سوم متمرکز و استوار است؛ هرچند دو گونه نخست را هم مد نظر دارد.

شاید توجه به دو تعبیر زیر نیز مفید فایده باشد: استفاده از دو مفهوم «علوم سیاسی» و «دانش سیاسی»، به یک معنا، دلالت بر تقسیم‌بندی بالا دارد. اگر علوم سیاسی یا علم سیاست را به مثابه یکی از شعب و شاخه‌های علم مدرن بدانیم و روند بومی‌شدن هم مد نظر باشد، کاربرد واژه علوم سیاسی غلبه می‌یابد؛ اما اگر قرار باشد تحول جدی از نوع بومی‌کردن به معنای بالا در آن صورت گیرد، ظاهراً، کاربرد واژه دانش سیاسی در دستورکار قرار می‌گیرد. همچنین، استفاده از دو عبارت «دانش سیاسی در ایران» و «دانش سیاسی ایرانی»، نیز نشان از این ذهنیت دوگانه دارد. اگر با نگاه بومی‌شدن به موضوع بنگریم، عبارت دانش سیاسی در ایران، مبنا قرار می‌گیرد؛ اما اگر وجه بومی‌کردن مد نظر باشد، عبارت متناظر با آن یعنی دانش سیاسی ایرانی، بیشتر به کار برده می‌شود.

بومی‌گرایی و علوم سیاسی در ایران

روند بومی‌گرایی در علوم سیاسی ایران را می‌توان در مباحث آموزشی و پژوهشی این رشته، بررسی و ارزیابی کرد. هدف از این مطالعه، واریسی چند و چون بومی‌گرایی علوم سیاسی ایران و ارزیابی ایده فقدان مسائل و موضوعات بومی در علوم سیاسی ایران و ضرورت توجه و تمرکز بر آنهاست.

الف) واحدهای آموزشی

رشته علوم سیاسی در ایران با تأسیس مدرسه علوم سیاسی در سال ۱۲۷۸ شمسی مقارن است.^(۹) با این وجود، برقراری رشته علوم سیاسی دانشگاهی در ایران، در دوره رضاشاه و در سال ۱۳۱۳ با تأسیس دانشگاه تهران همزمان است.^(۱۰) نگاهی به واحدهای آموزشی این رشته در آن زمان نشان می‌دهد درس‌هایی با محوریت مسائل ایران و اسلام در مجموعه واحدهای آموزشی گنجانده شده بود (تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، سازمان قضایی ایران، تاریخ دیپلماسی ایران، تاریخ عقاید سیاسی در ایران و اسلام، و فرهنگ و تمدن ایران).^(۱۱) واحدهای

آموزشی رشته علوم سیاسی تا پیش از انقلاب اسلامی نیز حکایت از تداوم همین روند دارد (حقوق اساسی: کلیات و ایران، نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام، تاریخ دیپلماسی ایران، سیاست خارجی ایران، نفت در ایران، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران).^(۱۳) پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و به دنبال آن انقلاب فرهنگی (۱۳۶۱-۱۳۵۹) تحولات نسبتاً جدی را در واحدهای آموزشی رشته علوم سیاسی ایجاد کرد. دست کم واحدهای آموزشی مربوط به جامعه و حکومت در ایران، اسلام و حوزه منطقه‌ای ایران بیانگر بومی‌گرایی در رشته علوم سیاسی بعد از انقلاب است. جدول‌های زیر که از برنامه آموزشی رشته علوم سیاسی دانشگاه مازندران - مصوب وزارت فرهنگ و آموزش عالی - برگرفته شده، چند و چون این واحدها را نشان می‌دهند.^(۱۳)

جدول شماره ۱. واحدهای آموزشی مرتبط با جامعه و حکومت در ایران

ردیف	واحد آموزشی	تعداد واحد
۱	تحولات سیاسی اجتماعی ایران (الف و ب)	۸
۲	روابط خارجی ایران (۵۷-۱۳۲۰)	۴
۳	مسائل سیاسی اقتصادی نفت ایران	۳
۴	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	۳
۵	حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران	۲
۶	انقلاب اسلامی	۲
	جمع	۲۲ واحد

جدول شماره ۲. واحدهای آموزشی مربوط به اسلام

ردیف	واحد آموزشی	تعداد واحد
۱	مبانی اندیشه‌های سیاسی در اسلام	۲
۲	اندیشه سیاسی در اسلام و ایران	۲
۳	نظام سیاسی و دولت در اسلام	۳
۴	تاریخ تحول دولت در اسلام	۲
۵	دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام	۲
۶	حقوق بین‌الملل اسلامی	۲
	جمع	۱۳ واحد

جدول شماره ۳. واحدهای آموزشی مربوط به حوزه منطقه‌ای ایران

ردیف	واحد آموزشی	تعداد واحد
۱	خلیج فارس و مسائل آن	۲
۲	جنبش‌های اسلامی معاصر	۲
۳	سیاست و حکومت در خاورمیانه	۲
	جمع	۶ واحد

البته دانشجویان علوم سیاسی علاوه بر این واحدهای تخصصی همانند سایر رشته‌های دانشگاهی، باید واحدهای عمومی را نیز بگذرانند که بخشی از آنها نیز دارای عنوان و محتوای اسلامی است (مانند معارف اسلامی، تاریخ اسلام و...). باید افزود که تغییرات نسبتاً جدی، طی سالیان اخیر، در عنوان‌ها و چگونگی ارائه این دروس به عمل آمده و حتی یک درس با عنوان «تاریخ تمدن و فرهنگ ایران و اسلام» به مجموعه درس‌های عمومی افزوده شده است؛^(۱۴) از این رو، در رشته علوم سیاسی در ایران، ۵۴ واحد از ۱۳۲ واحد آموزشی (یعنی نزدیک به نصف)، مربوط به مسائل و موضوعات بومی ایران است.

تحول و بازنگری در واحدهای آموزشی علوم سیاسی، ضرورتی بوده که هم شورای عالی انقلاب فرهنگی، هم وزارت علوم، تحقیقات و فناوری^(۱۵) و هم دانشگاه‌های ایران به آن پی برده و برنامه‌هایی را برای تغییر نظام آموزشی، به ویژه دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد در دستورکار قرار داده و تا حدودی هم اجرا کرده‌اند. دانشگاه شهید بهشتی، در سال ۱۳۸۵ در واحدهای آموزشی دوره کارشناسی بازمینی کرده و برای روزآمد کردن آن، واحدهای جدیدی را به مجموعه درس‌های علوم سیاسی افزود.^(۱۶) دانشگاه تهران نیز در سال ۱۳۸۷ تغییرات جدی در واحدهای آموزشی و گرایش‌های تخصصی دوره کارشناسی به عمل آورد و برای دوره کارشناسی ارشد نیز گرایش‌های جدیدی را طراحی نمود.^(۱۷) به علاوه، انجمن علوم سیاسی، همایش‌های سالیانه خود را طی چندین سال متوالی به بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل اختصاص داد که حاصل آن، ارائه سخنرانی‌های علمی در همایش‌های سالیانه در خرداد سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸، مقالات چاپ‌شده در مجله تخصصی وابسته به انجمن،^(۱۸) و چاپ و انتشار مجموعه مقالات همایش^(۱۹) بوده است.

روند مورد بررسی تا اینجا، بیانگر آن است که در حوزه آموزشی علوم سیاسی، میزان مناسب و قابل قبولی از توجه و تمرکز بر موضوعات و مسائل بومی وجود دارد و ایده تحول‌خواهان نوین، در این زمینه، عملاً تحقق یافته و نیاز به طراحی پروژه جدید نیست.

ب) پژوهش‌های سیاسی:

بررسی کتب منتشره، مقاله‌های چاپ‌شده در مجله‌های دانشگاهی و غیر دانشگاهی و پایان‌نامه‌های دانشجویی می‌تواند میزان کاربردی بودن پژوهش‌های سیاسی در ایران و در نتیجه، روند بومی‌گرایی را آشکار سازد. البته، در اینجا، مجال بررسی محتوایی وجود ندارد؛ اما حداقل اینکه موضوعات و عنوان‌های انتخابی برای پژوهش و تحقیق توسط محققان ایرانی، می‌تواند نشان‌دهنده جهت‌گیری نسبتاً قابل قبولی در مورد مسائل ایران و اسلام وجود دارد و این آموزه که عمده موضوعات و مسائل علوم سیاسی دارای جهت‌گیری غربی است، چندان اعتباری ندارد.

۱. کتب منتشره: اگر کتب منتشره توسط چند انتشارات سیاسی مهم را ملاک ارزیابی بدانیم، آشنایی با عنوان‌های کتب منتشره آنها می‌تواند بومی‌گرایی در موضوعات مورد توجه آنها را به ما نشان دهد. نشر نی، طرح نو، شیرازه، انتشارات وزارت امور خارجه، آگه، انتشارات علمی فرهنگی، کویر، ققنوس، روزنه، هرمس، اختران، باز، شرکت سهامی انتشار، امیرکبیر، و آستان قدس رضوی از عمده‌ترین انتشاراتی هستند که کتب سیاسی منتشر می‌کنند. در این میان، بررسی نشر نی، به عنوان نمونه، می‌تواند حقیقت بومی‌گرایی را در این زمینه بر ما بنمایاند. بر اساس نمایه «فهرست کتاب‌های نشر نی، بهار ۱۳۸۹»، کتاب‌های سیاسی منتشره، به صورت زیر قابل دسته‌بندی است.

جدول شماره ۴. تفکیک موضوعی کتب سیاسی منتشره نشر نی

کلی و عمومی	غرب	اسلام	ایران	شرق، جهان سوم، خاورمیانه و غیره
عنوان ۳۵	عنوان ۲۹	عنوان ۶	عنوان ۳۱	عنوان ۹
۳۱ درصد	۲۶ درصد	۵/۵ درصد	۲۸ درصد	۸ درصد

جدول شماره ۵. تعداد و درصد کتب سیاسی منتشره نشرنی بر اساس بومی و غیربومی

عنوان‌های غیربومی (کلی و عمومی / غرب)	عنوان‌های بومی (اسلام / ایران / شرق، خاورمیانه و جهان اسلام)
۶۴ عنوان (۵۹ درصد)	۴۶ عنوان (۴۱ درصد)

داده‌های این جدول‌ها، نشان از آن دارد که موضوعات مرتبط با غرب، تنها ۲۶ درصد کل کتاب‌های سیاسی منتشره نشرنی را دربردارد که غیربومی محسوب می‌شوند؛ در حالی که ۴۱ درصد به موضوعات سیاسی بومی اختصاص یافته است.^(۳۰) این مورد حکایت از تحقق بخش عمده‌ای از جهت‌گیری بومی‌گرایی در قسمت تألیفات و ترجمه‌ها در ایران، به صورت کتاب است.

۲. مجله‌های دانشگاهی: اگر در میان مجله‌های دانشگاهی مرتبط با علوم سیاسی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران که سابقه نسبتاً طولانی تری نسبت به سایر مجله‌های وابسته به دانشگاه‌های ایران دارد، ملاک ارزیابی قرار گیرد، عنوان‌های مقالات، بیانگر اهتمام پژوهشگران سیاسی ایرانی به مسائل بومی کشور است که معنای دیگر این امر، تحقق بومی‌گرایی در علوم سیاسی در بخش پژوهش و تحقیق است؛ هرچند این مجله، سابقه‌ای طولانی در انتشار مقالات سیاسی دارد، اما با جدا شدن مقالات حقوقی و سیاسی و انتشار فصلنامه سیاست، در اینجا، فقط شماره‌های نخست این مجله تازه‌انتشار، بررسی می‌شود تا چند و چون موضوعات بومی و غیربومی، مشخص شود.

جدول شماره ۶. موضوعات بومی و غیربومی در فصلنامه سیاست

ردیف	طبقه‌بندی موضوعی	تعداد	درصد
۱	مقالات با جهت‌گیری بومی	۳۶	۶۰
۲	مقالات با جهت‌گیری غیربومی	۲۳	۴۰
	جمع	۵۹	۱۰۰

داده‌های جدول بالا حاکی از آن است که طی شش شماره فصلنامه سیاست، ۵۹ مقاله منتشر شده که ۲۳ مقاله، موضوعات غیربومی و ۳۶ مقاله با موضوعات بومی است. بنا بر این آمار، حدود ۴۰ درصد مقالات به مسائل غیربومی و ۶۰ درصد هم به موضوعات بومی اختصاص یافته است. جالب توجه اینکه فقط چهار مورد با

موضوع غرب، مرتبط است که کمتر از یک درصد مقالات را شامل می‌شود.^(۳۱) این بررسی نشان می‌دهد پژوهش‌های سیاسی در ایران دارای جهت‌گیری مناسبی در زمینه موضوعات بومی است.

۳. مجله‌های غیردانشگاهی: از میان مجله‌های سیاسی غیردانشگاهی، «اطلاعات سیاسی - اقتصادی»، چه به لحاظ سابقه نسبتاً طولانی انتشار آن و چه نوع مقالات و نویسندگان آن، دارای اعتبار مناسب برای گزینش و بررسی در این زمینه است؛ البته این مجله درجه علمی - ترویجی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارد. در اینجا، به صورت نمونه تصادفی، عنوان‌های مقالات این مجله، از شماره ۲۰۰-۱۹۹ تا شماره ۲۲۶-۲۲۵، از لحاظ بومی‌گرایی، بررسی و تحلیل می‌شود.

جدول شماره ۷. طبقه‌بندی موضوعی مقالات مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی،

از شماره ۲۰۰-۱۹۹ تا ۲۲۶-۲۲۵، بر اساس بومی‌گرایی

ردیف	طبقه‌بندی موضوعی	تعداد	درصد (به طور حدودی)
۱	مسائل ایران	۱۰۴	۳۷
۲	مباحث نظری	۳۳	۱۱
۳	توسعه، کشورهای درحال توسعه، جهان سوم	۳۷	۱۳
۴	موضوعات مربوط به کشورهای تمدن غرب	۲۴	۸
۵	اندیشه سیاسی غرب	۷	۳
۶	اسلام	۳	۱
۷	جهانی‌شدن	۱۹	۶
۸	سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای	۱۸	۶
۹	اسرائیل و صهیونیسم	۲	۱
۱۰	حقوق بشر	۶	۲
۱۱	متفرقه	۳۳	۱۱
	جمع	۲۸۶	۱۰۰

داده‌های جدول بالا بیانگر آن است که حدود ۴۰ درصد عنوان‌های مقالات مربوط به ایران است؛ این در حالی است که اگر مسائل ایران، توسعه و نیز اسلام را در مقوله موضوعات بومی بدانیم حدود ۵۵ درصد از عنوان‌ها یعنی بیش از نیمی از

آنها دارای جهت‌گیری بومی است؛^(۳۳) از این رو، اطلاعات به دست آمده از این مجله غیردانشگاهی هم بیانگر آن است که روند بومی‌گرایی در پژوهش‌های ایرانی، قابل ملاحظه و در جریان بوده و دیگر نیاز نیست پروژه‌ای جدید در این زمینه، طراحی و اجرا شود.

۴. **پایان‌نامه‌های دانشجویی:** اگر پایان‌نامه‌های دانشجویی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری را مبنای قضاوت و داوری قرار دهیم، بررسی عنوان‌های پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران، به عنوان نمونه قابل دسترس برای محقق حاضر، می‌تواند چگونگی وجود جهت‌گیری بومی‌گرایی به معنای بومی شدن را نشان دهد.^(۳۴)

جدول شماره ۸. تقسیم‌بندی پایان‌نامه‌های ارشد دانشگاه مازندران بر اساس موضوعات بومی و غیربومی

ردیف	طبقه‌بندی نوع رساله	تعداد	درصد
۱	بومی	۲۸	۹۵
۲	غیربومی	۷	۴
	جمع	۳۵	۱۰۰

داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد از مجموع ۳۵ عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی در دانشگاه مازندران که از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ توسط دانشجویان، انتخاب شده، هفت مورد مرتبط با مسائل غیربومی است که حدود ۴ درصد کل را شامل می‌شود؛ در حالی که ۲۸ عنوان، کاملاً مرتبط با موضوعات و مسائل بومی شامل ایران، اسلام، کشورهای همجوار، خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز است که حدود ۹۵ درصد کل عنوان پایان‌نامه‌ها را دربرمی‌گیرد.^(۳۴) این بررسی نیز مؤید فرضیه مقاله است که اساساً پژوهش‌های سیاسی در رشته علوم سیاسی در ایران، دارای جهت‌گیری عمدتاً بومی است.

برای رساله دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل هم، دوره دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مورد بررسی قرار گرفت. در این بررسی، عنوان رساله‌ها از شماره ۲۱۷۸ تا ۲۲۸۶، در جدول «گزارش پایان‌نامه‌های دانشجویان دانشگاه تهران»، تهیه شده توسط تحصیلات تکمیلی آن دانشکده مورد مطالعه قرار گرفت.^(۳۵)

جدول شماره ۹. تقسیم‌بندی رساله‌های دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

بر اساس موضوعات بومی و غیربومی

ردیف	طبقه‌بندی نوع رساله	تعداد	درصد
۱	بومی	۳۶	۶۰
۲	غیربومی	۲۴	۴۰
	جمع	۶۰	۱۰۰

اطلاعات این جدول نشان می‌دهد از ۶۰ رساله‌گزینه‌شده که بر اساس ترتیب موجود در جدول گزارش پایان‌نامه‌های دانشجویان دانشگاه تهران، انتخاب شده‌اند، ۳۶ مورد به موضوعات و مسائل بومی مرتبط است که حدود ۶۰ درصد رساله‌های مورد بررسی را دربرمی‌گیرد؛ در مقابل، ۲۴ مورد به موضوعات غیربومی اختصاص دارد که ۴۰ درصد آنها را شامل می‌شود.^(۳۶) این بررسی نیز بیانگر جهت‌گیری مناسب رساله‌های دکتری در ایران در زمینه موضوعات بومی است.

در یک تحلیل جامع‌تر که ۷۰۰ عنوان پایان‌نامه در دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، علامه طباطبایی، شهید بهشتی، تربیت مدرس، تربیت معلم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفت، این نتیجه حاصل شد.^(۳۷)

جدول شماره ۱۰. فراوانی و تنوع موضوعی در حوزه‌های اصلی (به نسبت ۷۰۰ عنوان پایان‌نامه)

ردیف	حوزه‌های اصلی	تعداد	درصد
۱	مسائل ایران	۳۶۵	۵۲/۱۴
۲	جامعه‌شناسی سیاسی	۱۹۹	۲۸/۴
۳	اندیشه سیاسی	۱۲۳	۱۷/۵۷
۴	مسائل دفاعی - استراتژیک و امنیتی	۸۸	۱۲/۵۷
۵	بررسی تطبیقی	۸۵	۱۲/۱۴
۶	تاریخ معاصر ایران	۷۵	۱۰/۷۱
۷	اقتصاد سیاسی	۳۲	۴/۵۷

نکته قابل توجه اینکه بررسی موضوعات مربوط به اندیشه سیاسی نشان می‌دهد اندیشه سیاسی اسلام در رتبه نخست این حوزه قرار دارد.

جدول شماره ۱۱. فراوانی و تنوع موضوعات پژوهشی در حوزه اندیشه سیاسی

(۱۲۳ نمونه از ۷۰۰ عنوان پایان نامه)

ردیف	برخی موضوعات پژوهشی اندیشه سیاسی	تعداد	درصد
۱	اندیشه سیاسی اسلام	۷۷	۱۱
۲	اندیشه سیاسی غرب	۳۷	۵/۲۸
۳	اندیشه سیاسی ایران	۹	۱/۲۸

بررسی‌های انجام‌شده تا اینجا، تا اندازه‌ی زیادی، این ایده را تقویت و تحکیم کرده که بخش مهمی از بومی‌گرایی در علوم سیاسی در ایران، عملاً تحقق یافته و در جریان عملی شدن است.

بررسی وضعیت علوم سیاسی

در پاسخ به پرسش دوم این پژوهش (ضرورت تأسیس دانش سیاسی اسلامی و ایرانی با هویتی نوین که جایگزین علوم سیاسی موجود در ایران شود) وضعیت علوم سیاسی معاصر و متعارف، بررسی و تحلیل می‌شود تا نشان داده شود که اساساً چنین امری ناشدنی و غیرممکن است. علوم سیاسی با سابقه طولانی حدود ۲۵ قرن خود، از قدیمی‌ترین دانش‌های جهان به شمار می‌رود.^(۲۸) این علم، میراث‌دار حجم انبوهی از ایده‌ها و یافته‌هایی است که در سیر تاریخی پُر فراز و نشیب خود، انباشته است.^(۲۹) علم سیاست، امروزه، به مثابه یک رشته دانشگاهی^۱ دارای هویت مستقل با هستی‌شناسی^۲، معرفت‌شناسی^۳ و روش‌شناسی^۴ خاص خود است.^(۳۰) این رشته هم‌اکنون، (نخستین سال از دهه دوم قرن بیست و یکم)، چنان از رشد و بالندگی برخوردار شده که رشته‌های فرعی تخصصی نسبتاً زیادی در درون آن ایجاد شده است. در این زمینه، دانشمندان علوم سیاسی شاید بتوانند تنها در یک یا دو مورد، تخصص کسب کنند و صاحب نظر شوند؛ البته تنوع و گستردگی این رشته‌های فرعی با توجه به «منابع و آثار سیاسی منتشره» به زبان‌های زنده و اصلی در دنیا، «واحدهای درسی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری»، «گرایش‌های موجود در

1. Discipline
2. Ontology
3. Epistemology
4. Methodology

دوره‌های ارشد و دکتری» و «واحدهای آموزشی دوره کارشناسی» متفاوت خواهد بود. حداقل، با توجه به واحدهای آموزشی دوره کارشناسی، رشته‌های تخصصی فرعی زیر در علوم سیاسی قابل ذکر است:

جدول شماره ۱۲. گرایش‌های تخصصی در رشته علوم سیاسی (بر اساس تدریس اساتید)

ردیف	رشته تخصصی فرعی	حوزه تخصصی مورد بررسی	موضوع مورد مطالعه
۱	فلسفه و اندیشه سیاسی	اندیشه‌ورزی در مورد سیاست بر اساس تحلیل فلسفی و عقلی	تاریخ عقاید سیاسی در زمان‌های مختلف و برداشت‌های متفاوت
۲	جامعه‌شناسی سیاسی	بررسی و تحلیل وجه جامعه‌شناختی موضوعات سیاسی	رویکردها و رهیافت‌های مختلف در جامعه‌شناسی سیاسی
۳	مطالعات توسعه	نظریه‌پردازی در مورد توسعه در جهان سوم	مکاتب و نظریه‌های متنوع در زمینه توسعه
۴	مطالعات منطقه‌ای	بررسی و تحلیل سازمان‌ها و محیط‌های منطقه‌ای	تمرکز بر مناطقی چون اتحادیه اروپا، آسیای جنوب شرقی، آسیای مرکزی و قفقاز و خاورمیانه
۵	روابط بین‌الملل	تجزیه و تحلیل نظام و اصول حاکم بر جامعه بین‌المللی	متضمن تاریخ روابط بین‌الملل، اصول روابط بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی
۶	تحقیقات تطبیقی	طبقه‌بندی و تحلیل نظام‌ها و نهادها در جوامع مختلف	مقایسه بین نظام‌های سیاسی در مراحل مختلف توسعه جوامع
۷	تاریخ سیاسی	بررسی و تحلیل بُعد سیاسی تحولات تاریخی جوامع	تحولات سیاسی اجتماعی کشورها، به طور مثال تحولات ایران در عصر مشروطه و انقلاب اسلامی
۸	روش‌شناسی علوم سیاسی	مطالعه و تحلیل روش‌های مورد استفاده در علوم سیاسی	روش‌های مختلف از پوزیتیویسم تا هرمنوتیک

رشته‌های فرعی تخصصی علوم سیاسی نیز چنان از عمق، وسعت و گستردگی برخوردارند که هرگونه اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی در مورد سیاست را دربردارد. برای درک و دریافت مناسب‌تری از این موضوع، در اینجا دو مورد به اختصار، بیان می‌شود.

اگر روش‌شناسی علوم سیاسی مورد بررسی قرار گیرد،^(۳۱) ملاحظه می‌شود که

فراگیری روش‌های مورد استفاده، بسیار قابل ملاحظه است. به طور نمونه، در کتاب «روش و نظریه در علوم سیاسی»، رهیافت‌های زیر معرفی و تحلیل شده است:

جدول شماره ۱۳: رهیافت‌های علوم سیاسی^(۳۲)

موضوع	جهت‌گیری روش‌شناختی	ماهیت نظریه	دیدگاه در مورد دولت و سیاست	جایگاه درون رشته
نظریه هنجاری	کیاسی - تحلیلی	هنجاری، ارزیابی‌کننده، تجویزی	پارادایم مسلط لیبرال، اما نه یک دیدگاه فراگیر	سنت قوی. اگر این رهیافت بتواند به چالش‌های پوزیتیویست‌ها، نسبی‌گرایان و دترمینیست‌ها پاسخ دهد، نقش محوری‌ای در بیان انتخاب‌های موجود برای انسان‌ها به شکلی دقیق و آگاهانه خواهد داشت.
مطالعات نهادی	استقرایی، نسبی‌گرا، کیفی، اما نه در کلیه موارد	هنجاری، تجویزی، ارزیابی‌کننده، تجربی	در مرحله سنتی حامی مدل لیبرال‌دموکراتیک از دولت بود و دارای ایستارهای محافظه‌کارانه نسبت به اصلاح. در نوع مدرن، به‌وضوح چندنظریه‌ای است.	کنار نهادن دیدگاه سیاسی سنتی و پیچیدگی روش‌شناختی در حال افزایش به این رهیافت نقشی دائمی داده است. نقش قوی در آینده به علت شناسایی محوریت دولت در سیاست.
تحلیل رفتاری جمعی	میل به استفاده از داده‌های انباشتی و تحلیل کیفی. در شکل مدرن، شناسایی نقش نظریه در ایجاد فرضیه‌ها. مصر است که هدف محوری پژوهش عبارت است از توضیح پدیده مشاهده‌شده. لحن پوزیتیویستی.	تجربی، علی، قادر به ایجاد پیشگویی‌های ابطال‌پذیر	ادعاهای اولیه مربوط به نظریه آزاد از ارزش کنار نهاده شده است. در شکل مدرن، به‌وضوح چندنظریه‌ای است.	ادعاهای مفرط اولیه رفتارگرایان جای خود را به تحلیل متعادل‌تر و پیچیده می‌دهد. تعهد محوری نسبت به ایده علیت و نظریه‌پردازی تجربی ابطال‌پذیر به این رهیافت شکلی متمایز و نیرومند می‌دهد.
توضیح رفتار سیاسی در سطح فردی و جمعی				

بومی‌گرایی در علوم سیاسی؛ کدام جهت‌گیری

<p>به عنوان رهیافتی شناخته می‌شود که راه مفیدی برای تحقیق در مورد شرایط انتخاب جمعی فراهم می‌سازد. باید ظرفیت خویش را توسعه دهد تا بتواند در شرایط پیچیده و غیرقطعی تصمیم‌سازی و انگیزه‌های غیرشخصی هم مفید باشد.</p>	<p>پارادایم راست نو که مسلط است ولی ذاتی نیست. در شکل مدرن؛ به‌وضوح چندنظریه‌ای است.</p>	<p>تجربی، پیش‌گویی‌کننده، تجویزی</p>	<p>استدلال قیاسی که منجر به پیش‌بینی‌ها و نظریه‌تجربی می‌شود. لحن پوزیتیویستی</p>	<p>انتخاب‌های اجتماعی و سیاسی که توسط افراد عقلانی و به دنبال نفع خویش اتخاذ می‌شود.</p>
<p>دیدگاهی شناخته‌شده و دارای تأثیری محدود. پتانسیل آن در صورتی که از افراط‌های پسامدرنیسم اجتناب نماید، زیاد است.</p>	<p>به دنبال زنانه کردن مناظره و گسترش دادن تعریف سیاسی است.</p>	<p>هنجاری، تجویزی، ارزیابی‌کننده، تجربی.</p>	<p>نسبی‌گرا، تمایل به روش‌های کیفی؛ حملاتی نسبت به روش‌های کمی و تقاضا برای یک متدولوژی فمینیستی جایگزین؛ تحقیقی، بی‌فایده و غیرضروری.</p>	<p>تأثیر پدربزرگ‌سالاری و چالش با آن</p>
<p>در حاشیه‌های علوم سیاسی: سطح بالای انتزاع و عمومیت در توضیحات، یک مشکل است. مساعدت عمده عبارت است از تمرکز بر ساختاری نمودن معنای اجتماعی به عنوان عملی سیاسی.</p>	<p>اولویت را با این فرض که تمام اعمال در نهایت محصول نیروهای سیاسی در حال منازعه و به دنبال تحمیل ایده‌هایشان هستند، به سیاست می‌دهد. تمایل نسبت به تفاسیر الیاتیستی یا مارکسیستی</p>	<p>تجربی</p>	<p>نسبی‌گرا: تمایز میان عرصه ایده‌ها و عرصه اشیای واقعی را با در نظر گرفتن همه اشیاء و اعمال به عنوان اموری معنادار به عنوان جزئی از یک گفتمان خاص، از بین می‌برد.</p>	<p>چگونه گفتمان‌ها (ساختارهای معنایی) برخی کنش‌ها را ممکن می‌سازند. چگونه این گفتمان‌ها ایجاد می‌شوند، عمل می‌کنند و تغییر می‌یابند.</p>
<p>تحلیل گفتمان</p>				

در کتاب «روش‌شناسی علوم سیاسی»، روش‌های زیر بررسی و تحلیل شده‌اند: روش‌های رفتارگرایانه (اثبات‌گرایی منطقی، ابطال‌گرایی، رفتارگرایی)؛ روش‌های کارکردگرایانه (کارکردگرایی و نوکارکردگرایی، نظریه سیستم‌ها، نظریه سبیرتیک)؛ روش‌های جامعه‌شناسانه و تاریخ‌گرایانه (جامعه‌شناسی معرفت، تاریخ‌گرایی و نوتاریخ‌گرایی)؛ روش‌های تفهیمی (پدیدارشناسی، روش‌های هرمنوتیکی)؛ روش‌های ساختارگرایانه (انواع ساختارگرایی، پساساختارگرایی)؛ روش‌های

پسامدرن (دیرینه‌شناسی فوکو، تبارشناسی فوکو، شالوده‌شکنی دریدا، نظریه گفتمان لاکلا و موف).^(۳۳) تنوع و گستردگی این روش‌ها به گونه‌ای است که تعبیر «ویژگی علوم سیاسی، داشتن رهیافت‌ها و رویکردهای متنوع و متعدد است»،^(۳۴) برای آن به کار رفته است. حتی در سطحی گسترده‌تر، یعنی روش‌شناسی در علوم انسانی و اجتماعی، نیز این ایده، به صورت یک پارادایم درآمده که «کثرت‌گرایی روش‌شناختی»، برای این علوم، ضرورت دارد.^(۳۵)

بررسی مطالعات توسعه شاید تنوع، گستردگی، تکثر و پیچیدگی در علوم سیاسی معاصر را به نحو مناسب‌تری نشان دهد.^(۳۶) آلورین سو در کتاب «تغییر اجتماعی و توسعه»، گزارش نسبتاً کاملی از روند تحولات سه مکتب اصلی را در این زمینه، ارائه کرده که خود بیانگر روند خوداصلاحی در نظریه‌پردازی توسعه نیز هست. بر اساس تحلیل سو، مکتب نوسازی در منشأ و خاستگاه خود، دارای رویکرد جامعه‌شناختی (جوامع نسبتاً نوسازی‌شده از نظر لوی، نظریه تمایز ساختاری/سملسر)، رویکرد اقتصادی (مراحل رشد روستو) و رویکرد سیاسی (مدل تمایز ساختاری - برابری - قابلیت کلمن) است. مطالعات اولیه نوسازی شامل: مک کلند (انگیزه پیشرفت)، اینکلس (انسان‌های متجدد)، بلا (مذهب توکوگوا) و لیپست (توسعه اقتصادی و دموکراسی) است؛ درحالی‌که مطالعات نوسازی جدید، در پاسخ به چالش‌های طرح‌شده، به نظریه‌ها و تحقیقات زیر روی آورد: وانگ (تبارگرایی در مدیریت)، دیویس (بازبینی مذهب ژاپنی)، بنو عزیز (انقلاب اسلامی ایران) و هانتینگتون (آیا عده کشورهای بهره‌مند از دموکراسی رو به فزونی دارد؟). مکتب وابستگی در منشأ و خاستگاه خود دارای میراث فکری زیر است: فرانک (توسعه توسعه‌نیافتگی)، دوس سانتوس (ساختار وابستگی) و امین (گذار به سرمایه‌داری پیرامونی). مطالعات سنتی وابستگی شامل باران (استعمار هند)، نویسندگان مانتهلی ریویو (بحران بدهی‌ها در امریکای لاتین) و مطالعات لندسبرگ (در مورد امپریالیسم تولید کارخانه‌ای در شرق آسیا) است؛ در عین حال، مطالعات وابستگی جدید را نظریه‌پردازان زیر به شرح ذیل، رقم زده‌اند: کاردوزو (توسعه مقارن با وابستگی در برزیل)، اودنل (ظهور دولت دیوان‌سالار - اقتدارگرا در امریکای لاتین)، ایوانس (شکل‌گیری ائتلاف سه‌گانه در برزیل: دهه ۱۹۸۰) و گلد

فرایند وابستگی پویا در تایوان؛ به علاوه، مکتب نظام جهانی در مطالعات جهان‌شمول خود، بررسی‌ها و تحلیل‌های زیر را ارائه کرده است: *والرشتاین* (مراحل نزولی اقتصاد جهانی سرمایه‌داری)، *برگسون* و *شونبرگ* (امواج بلند استعمار) و گروه کار تحقیقاتی «مرکز فرناند برادل» به رهبری *آر. دبلیو. جی* (الگوهای جهانی جنبش‌های گارگری).^(۳۷) این نظریه‌ها چنان در کنار هم رشد و نمو یافته‌اند که مترجم این اثر، بر این باور است که «امکان یک رشته علمی پلورالیستی (به صورت همزیستی چند پارادایم با یکدیگر) وجود دارد.»^(۳۸)

برورن هتنه در کتاب «تئوری توسعه و سه جهان»، ضمن شرح و بسط نظریه‌های توسعه و نقد رادیکال آنها مبنی بر اروپامحوری و تفکر توسعه و یا فائق آمدن بر مدل اروپایی توسعه، به «ابعاد توسعه‌ای دیگر» می‌پردازد که نگاهی کاملاً متفاوت از مکاتب و نظریه‌های رایج در زمینه توسعه دارند: جامعه‌شناسی و سیاست غیریت، توسعه عادلانه، توسعه خوداتکا، توسعه بوم‌شناختی و توسعه قومی.^(۳۹) به علاوه، برخی از پژوهشگران فارغ از ملاحظات انتزاعی، با نگاه به تجارب توسعه‌گرایی در جوامع جهان سوم به چند و چون این تجارب و نتایج پرداخته‌اند از جمله، *دموکراسی و توسعه*،^(۴۰) *سیاست و توسعه در جهان سوم*،^(۴۱) *توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی*،^(۴۲) *افسانه توسعه: اقتصادهای ناکارآمد قرن بیست و یکم*.^(۴۳) این داده‌ها نشان می‌دهند که علوم سیاسی به چه میزان از غنای درون رشته‌ای قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده است؛ حال، با این تنوع، گستردگی و ژرفا در تحقیق و پژوهش در موضوعات سیاسی، بومی‌گرایی در علوم سیاسی ایران، چه دستاورد تازه‌ای می‌خواهد بدان بیافزاید؟ شاید حداکثر کاری که بتواند انجام دهد این باشد که روش، رویکرد و نظریه‌ای جدید در مورد مسائل و موضوعات سیاسی، ابداع و ارائه کند که در این صورت، هیچ امر نویی در این دانش ایجاد نکرده، بلکه کاملاً هماهنگ و همسو با رویکرد موجود، به گستردگی و تنوع آن، یاری رسانده است. شاید در اینجا مناسب باشد ویژگی‌های اساسی علوم سیاسی معاصر بیان شود تا از این طریق بتوان نسبت تحول‌خواهی در علوم سیاسی در ایران را با علم سیاست رایج و متداول، به‌درستی، تشخیص داد.

زمینه‌ها، ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌های اصلی علوم سیاسی

با بررسی همه‌جانبه روش و محتوای علوم سیاسی، این نکته آشکار می‌شود که این علم دارای زمینه‌ها، ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌های زیر است:

الف) شرایط و زمینه‌ها

۱) رشد و بالندگی در محیط و بستری آزاد: شکل‌گیری علم سیاست در محیط نسبتاً آزاد دوره دموکراسی مستقیم یونان باستان، موجب پایه‌ریزی این دانش با خصلت تکثرگرایی شد. فلسفه سیاسی سقراط، افلاطون و ارسطو بیانگر تفاوت‌های نسبتاً جدی آنها در اندیشه‌ورزی در مورد سیاست است.^(۴۴) با بسته‌تر شدن فضای اجتماعی و سیاسی در دور قرون وسطی، ما شاهد افول علم سیاست هم هستیم.^(۴۵) با رنسانس، علم سیاست، جان تازه‌ای گرفت و به تدریج که طی انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی، فضای آزادی و دموکراسی، گسترش یافت، علوم سیاسی نیز رشد و بالندگی ممتازی پیدا کرد.^(۴۶) اکنون، علوم سیاسی در کشورهای دموکراتیک و آزاد، دارای چنان رشد و شکوفایی است که در طول تاریخ خود بی‌سابقه بوده است.^(۴۷) ۲) ابتدا بر عقل آزاد و انتقادی: شکل‌گیری علوم سیاسی در دامان فلسفه سیاسی که به یک تعبیر، «اندیشه عقلانی غیر ملتزم به ادیان و اسطوره‌ها» است^(۴۸) نشان از استوار کردن علوم سیاسی بر عقل آزادی است که تلاش دارد بنا بر اصول حاکم بر خود، به داوری و قضاوت بنشیند. به تدریج و با رواج و همگانی شدن عقل روشنگری، عقل اثباتی، عقل انتقادی و عقل ارتباطی، علوم سیاسی متأثر از این روندها و تحولات، رشد خود را طی کرد.^(۴۹)

ب) خصلت‌ها و ویژگی‌ها

۱) نظام‌مند و سیستماتیک بودن: روشمندی علوم سیاسی با توجه به منابع روش‌شناسی علوم سیاسی، آشکار و محرز است. به طور مثال، اگر روش تجربی در تحلیل سیاسی ملاک باشد، تمامی اصول، تکنیک‌ها و پیش‌فرض‌های آن مشخص شده تا در چهارچوب آن علم سیاست به کار خود ادامه دهد.^(۵۰) همان‌طور که اگر روش‌هایی دیگر چون هرمنوتیک یا گفتمان، مدنظر باشد، تقریباً تمامی اصول و قواعد آن، شناخته شده و مشخص است.^(۵۱) ۲) انباشتی و متراکم بودن اطلاعات و داده‌ها:

علوم سیاسی با قدمت تاریخی خود، هم‌اینک به دانشی تبدیل شده که هر موضوع آن، واجد اطلاعات و داده‌های بسیار است.^(۵۲) به طور مثال، اگر موضوع عدالت بخواهد مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، حجم انبوهی از نگرش‌ها، نظریه‌ها و داده‌ها وجود دارد که با خواندن آنها، بینش مناسبی از وجوه متفاوت درباره عدالت حاصل خواهد شد.^(۵۳) تکیه و تمرکز بر مدارک و استنادات: به تعبیر نویسندگان کتاب «روش و نظریه در علوم سیاسی»، این رشته دارای یک «دانش سازمان‌یافته» است که از پیروان خود، خواهان نوعی نظم روشنفکرانه در مناظره است. علوم سیاسی از پیروان خود می‌خواهد که به ارائه بحث‌ها و استدلال‌ها و مدارکی بپردازند که دیگران را قانع سازد.^(۵۴) استدلالی بودن و انسجام فکری و منطقی: منظور ما از علم، عبارت است از تولید سازمان‌دهی‌شده دانشی که از پیروان خود تقاضای برخی نظم‌های روشنفکرانه، به‌ویژه انسجام منطقی و ارائه مدارک کافی را دارد.^(۵۵) گستردگی و فراگیری: علوم سیاسی، تمامی وجوه سیاسی پدیده‌های اجتماعی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. اگر نگاهی به منابع مبانی علم سیاست بیاندازیم، متوجه می‌شویم که علم سیاست به گستره خود سیاست، جامعیت و فراگیری دارد؛^(۵۶) به طور مثال، اگر نگاهی به کتاب «سیاست و حکومت جدید» بیفکنیم، ملاحظه می‌شود گستره علم سیاست، بس گسترده و وسیع است. بررسی سیاست؛ سیاست، قدرت و اقتدار؛ دسته‌بندی حکومت‌ها؛ فرهنگ سیاسی؛ جهانی شدن و تأثیر سیاست بین‌المللی؛ حزب‌های سیاسی و نظام‌های انتخاباتی؛ گروه‌های فشار؛ نمایندگی، انتخابات و رأی دادن؛ مجلس‌ها؛ قوه اجرایی سیاسی؛ بوروکراسی دولتی؛ دادگاه‌ها و روند سیاسی؛ ارتش و سیاست؛ دگرگونی نظام‌های سیاسی و...^(۵۷) (۶) تنوع و تکثر: علوم سیاسی، رشته‌ای است که تکثرگرایی در ذات و ماهیت آن قرار دارد؛ تعبیری که در مورد مطالعات توسعه به کار برده شده، یعنی «امکان یک رشته علمی پلورالیستی»^(۵۸) برای علوم سیاسی نیز صادق است. این تنوع و تکثر، به علوم سیاسی اجازه می‌دهد تا تحلیل‌های مدرنیستی در کنار پسا مدرنی به صورت همزیستی مسالمت‌آمیز وجود داشته باشند.^(۵۹) (۷) پیچیدگی: علم سیاست با گذر از مراحل مختلف، هم‌اکنون، به سطحی از پیچیدگی رسیده که شناخت تمامی وجوه آن به‌شدت دشوار شده است. این پیچیدگی، بیش از همه، خود را در روند تحولات یک روش یا موضوع نشان

می‌دهد. به طور نمونه، روش هرمنوتیک از مرحله ساده امکان دستیابی به حقیقت (شلایر ماخر) به مرحله بس پیچیده امکان نیل به افق‌های متن (گادامر) تبدیل شده است که علم سیاست هم در پرتو آن به بررسی‌ها و تحلیل‌های پیچیده‌تری روی آورده است.^(۸۰) نقد بنیادین و همه‌جانبه: علم سیاست ادعا دارد که همه دانش‌ها، عمومی هستند و در معرض چالش قرار دارند. هیچ‌گونه حقیقت مخفی و هیچ‌گونه بیان‌کننده حقیقتی وجود ندارد که هرگز نادرست نباشد؛^(۸۱) از این رو، به محض طرح روش، نظریه و یا تحلیلی از سوی یک صاحب‌نظر، نقد ریشه‌ای آن از همه‌طرف آغاز می‌شود. به طور نمونه، نظریه عدالت جان راولز در معرض چالش جدی منتقدان قرار گرفت که مناظرات جدی‌ای را هم به پیش کشید.^(۸۲)

ج) جهت‌گیری‌ها و اصول

۱) حقیقت‌جویی: علم سیاست با دنباله‌روی از علوم مدرن، با جهت‌گیری حقیقت‌جویی بنا شده است. علم سیاست که با فلسفه سیاسی آغاز شد - و البته این نوع فلسفه، هم‌چنان زنده، پویا و در جریان است - بر اساس یک تعریف، «کوششی است آگاهانه، منسجم و خستگی‌ناپذیر برای نشان دادن معرفت نسبت به اصول سیاسی به جای گمان درباره آنها؛ کوششی است برای فهم ماهیت امور سیاسی».^(۸۳) گرچه حقایق سیاسی‌ای که فلسفه سیاسی در پی آن بود (حقایقی چون عدالت، خیر عمومی، فضیلت و بهترین نظم سیاسی) با حقایق سیاسی‌ای که علوم سیاسی هم‌اکنون در پی آن است (حقایقی چون روندهای تصمیم‌گیری سیاسی، انتخابات، احزاب سیاسی و نظام‌های سیاسی موجود) تا حدودی متفاوت است، اما جهت‌گیری به سوی فهم حقیقت سیاسی هم‌چنان از اصول حاکم بر این دانش است. تلاش برای شناخت معتبر و قابل اعتماد از طریق تکیه بر استنادات، شواهد و مدارک کافی، ردّ مطلق‌گرایی معرفتی و باز بودن دائمی کسب حقیقت هر موضوع و نیز وجود عنصر نقد همه‌جانبه و عدم تقدیس ایده‌ها و یافته‌ها، این دانش را به علمی پویا، جذاب و بالنده تبدیل کرده است؛^(۸۴) ۲) تلاش برای داوری فارغ از ارزش‌ها و هنجارهای شخصی: علم مدرن هرچند در ابتدا داعیه کشف حقیقت ناب و خالص را داشت و این‌گونه می‌اندیشید که حقیقت، خصلت هویدایی و آشکاری

دارد که اگر ذهن از پیش‌داوری‌ها و خرافات پیراسته شود، حقیقت به‌روشنی خود را در آن می‌نمایاند؛^(۶۵) اما به تدریج و با بررسی‌های عمیق و ژرفی که در رشته تاریخ و فلسفه علم به عمل آمد، مشخص شد که شناخت‌شناسی، بس پیچیده‌تر از آنی است که فکر می‌شد؛ از این رو، چالش‌های معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه در این مسیر، این رشته را بسیار پُربار و بالنده کرده است؛^(۶۶) با این وجود، هنوز این جهت‌گیری کلی وجود دارد که دانشمندان باید تلاش مضاعف کنند تا یافته علمی خود را از سوانح ذهنی دور نگه دارند.^(۶۷) (۳) روند اصلاح‌پذیری روشی و محتوایی: علوم سیاسی به مثابه یک دانش سازمان‌یافته نظام‌مند پویا، هیچ‌گاه متوقف نشده، حالت سکون پیدا نکرده و دچار تصلب روشی و محتوایی نشده است. علم سیاست با بهره‌گیری از یک سری دانش‌های پشتیبان و تأسیس دانش‌ها بین رشته‌ای^۱ تلاش کرده تا همواره در جست‌وجوی حوزه‌ها و یافته‌های تازه باشد.^(۶۸) علوم سیاسی، به طور مثال، از رفتارگرایی به فرارفتارگرایی تغییر جهت داده است.^(۶۹)

با بررسی وضعیت علوم سیاسی، به این نتیجه روشن و مشخص می‌رسیم که این علم، چنان از غنا، پویایی، پیچیدگی و توانمندی برخوردار است که ادعای هرگونه تغییر و تحول بنیادین آن، نه آنکه غیر ضروری بلکه شاید غیرممکن باشد زیرا این تغییر و تحول خود به مثابه یک رویکرد نو در این رشته جای می‌گیرد و از این رو نمی‌تواند به عنوان جایگزین علوم سیاسی موجود، مورد توجه قرار گیرد.

ضرورت علمی یا انگیزه سیاسی پروژه بومی کردن علوم سیاسی

برای تشخیص اینکه پروژه بومی کردن علوم سیاسی ایران، دارای انگیزه علمی یا سیاسی است، بررسی از سه زاویه زیر می‌تواند حقیقت امر را بر ما مکشوف سازد:

۱. دانشگاه‌های سیاسی اسلامی

بعد از انقلاب اسلامی ایران، تأسیس دانشگاه‌های انقلابی و اسلامی در سطح نسبتاً مناسبی آغاز شد. تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۶۱)، دانشگاه امام صادق (ع) (۱۳۶۱) و دانشگاه باقر العلوم (ع) (۱۳۶۳) که در هر سه آنها، دانشکده‌هایی با رشته سیاسی دایر شد، از نخستین اقدامات در این زمینه است. در گام‌های بعدی، تأسیس

دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۶۸) و دانشگاه مفید (۱۳۶۸)، به مثابه بارزترین طرح اسلامی کردن رشته علوم سیاسی یا همان بومی‌گرایی علوم سیاسی، قابل ذکر است. به علاوه، چندین مرکز آموزشی وابسته به نهادهای اجرایی، با روند بومی‌گرایی علوم سیاسی که در بردارنده تلفیقی از واحدهای سیاسی و اسلامی است، وجود دارند که از جمله آنها مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (۱۳۶۱) و دانشگاه افسری امام علی (ع) هستند. در ضمن، مؤسسه‌ها و پژوهشکده‌هایی با همین جهت‌گیری تأسیس شده‌اند که مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (۱۳۷۴)، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی (۱۳۷۵) و پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) (۱۳۷۳) از آن جمله‌اند. البته فعالیت‌هایی از این دست، در سال‌های اخیر گسترش بیشتری یافته که بخشی از فعالیت آنها به حوزه سیاست مربوط می‌شود؛ مانند پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ اسلامی. همچنین، می‌توان از مرکز اسناد انقلاب اسلامی نام برد که طرح‌های پژوهشی، کتب منتشره و مجله وابسته به آن (۱۵ خرداد) در همین روند قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد، تأسیس این تعداد از مراکز علمی و دانشگاهی با هدف بومی‌گرایی، کفایت کند و دیگر نیازی به طراحی و اجرای پروژه جدیدی نباشد.

۲. مجله‌های علمی وابسته به مراکز دانشگاهی با جهت‌گیری اسلامی

یکی از راه‌های تشخیص اینکه موضوعی از روی ضرورت علمی یا از سرانگیزه سیاسی طرح شده است، بررسی پیشینه آن است. اگر بومی‌کردن علوم سیاسی به معنای تحول بنیادین آن، ضرورت علمی داشته باشد، می‌بایست طی حدود سی سال بعد از انقلاب، به‌ویژه در مجله‌های وابسته به دانشگاه‌های نوبنیان با رویکردهای اسلامی، سابقه نسبتاً طولانی داشته و مورد مجادله فکری و نظری قابل توجهی قرار گرفته باشد. در این زمینه، بررسی مجله‌های دو دانشگاه امام صادق (ع) و باقرالعلوم (ع) می‌تواند گویای حقیقت باشد.

هنگامی که نُه شماره (از شماره یک تا شماره نُه) از مجله دانش سیاسی، وابسته به دانشگاه امام صادق (ع) منتشره شده از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، مورد بررسی

و مطالعه قرار می‌گیرد، مشخص می‌شود که تنها یک مورد مقاله با عنوان شرعی‌سازی سیاست،^(۳۰) وجود دارد که احتمالاً در مورد تحول ماهوی علم سیاست است؛ این در حالی است که حدود شصت مقاله، در این مدت چاپ و منتشر شده است.^(۳۱) این امر گویای آن است که تحول ماهوی علوم سیاسی اساساً یک ضرورت علمی نبوده چراکه در این صورت، طی حداقل چهار سال، اساتید دانشگاه این مرکز علمی با جهت‌گیری دینی و اسلامی، در سطح قابل ملاحظه‌ای بدان می‌پرداختند و وجوه متفاوت آن را می‌شکافتند. بررسی مجله علوم سیاسی وابسته به دانشگاه باقرالعلوم (ع) نشان می‌دهد از نخستین شماره آن، (تابستان ۱۳۷۷) تا شماره ۳۷ (بهار ۱۳۸۶)، حدود ۴۰۰ مقاله به چاپ رسیده که تنها مقالات بسیار محدودی به موضوع ضرورت تحول ماهوی علم سیاست پرداخته‌اند.

جدول شماره ۱۴. موارد مرتبط با ضرورت تحول در علوم سیاسی در مجله علوم سیاسی

نوع اثر	عنوان	تعداد
مقاله	چالش و چشم‌انداز علم سیاست متعالی؛ علیرضا صدرا، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۸۴. علم سیاست در ایران، از بازشناسی تا بازسازی؛ مسعود پورفرد، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۳. چشم‌انداز علم سیاسی اسلامی و ایرانی نوین، علیرضا صدرا، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۲. بحران علم سیاست در ایران؛ مقصود رنجبر، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۲.	۴
اقتراح	علوم سیاسی در ایران؛ کاستی‌ها و بایستی‌ها	۱
گزارش‌های علمی	جمهوری اسلامی و دانش سیاسی؛ گفت‌وگو (عباس منوچهری، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۸۴). وضعیت علم سیاست در ایران اسلامی؛ گفت‌وگو با علیرضا صدرا، شماره ۸، بهار ۱۳۷۹. وضعیت علم سیاست در ایران؛ گفت‌وگو با ناصر هادیان، شماره ۷، زمستان ۱۳۷۸. وضعیت رشته علوم سیاسی در ایران؛ محمد باوی، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۷. وضعیت علم سیاست در ایران؛ گفت‌وگو با حسین بشیریه، شماره ۴، بهار ۱۳۷۸. وضعیت علم سیاست در ایران؛ گفت‌وگو با محمدباقر حشمت‌زاده، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۱.	۶
سرمقاله	دین و دانش سیاسی دانش سیاسی و فرهنگ اسلامی؛ سردبیر، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۷.	۱

داده‌های جدول بالا بیانگر آن است که تنها چهار مقاله از ۴۰۰ مقاله منتشر شده در این مدت، با تحول ماهوی علم سیاست مرتبط است؛ این در حالی است که ظاهراً این دانشگاه و فصلنامه وابسته به آن، از مراکز اصلی تحول‌خواهی ماهوی برای علم سیاست به شمار می‌آیند. بررسی حدود ده سال مقالات علمی این فصلنامه بیانگر

آن است که چنین موضوعی اساساً مورد توجه پژوهشگران نبوده و ضرورت علمی پرداختن به آن وجود نداشته است.

۳. برنامه‌های آموزشی و همایش‌های تخصصی علوم سیاسی

در قسمت مباحث آموزشی روند بومی‌گرایی در علوم سیاسی ایران که در ابتدای همین مقاله بررسی شد، این نکته گفتنی است که در هیچ‌یک از همایش‌های تخصصی سالیانه انجمن علوم سیاسی ایران، هیچ مقاله‌ای با رویکرد ضرورت تحول ماهوی در علوم سیاسی، از سوی صاحب‌نظران این رشته ارائه نشد؛ همچنان‌که تغییرات در برنامه‌های آموزشی رشته علوم سیاسی در دانشگاه‌های معتبر ایران نیز حاوی چنین رویکردی نبوده است. بررسی بومی‌گرایی در واحدهای آموزشی رشته علوم سیاسی بیانگر آن است که این روند در مسیر تدریجی و طبیعی خود قرار داشته، برخی تغییرات و اصلاحات انجام گرفته و همچنان در حال تکمیل است. این بررسی نشان می‌دهد تحول‌خواهی بنیادین در علوم سیاسی ایران اساساً فاقد جهت‌گیری علمی است؛ را که هیچ سابقه و زمینه علمی برای آن وجود ندارد.

اینک می‌توان با قاطعیت بیشتری بیان کرد که طلب تغییر ماهوی در علوم سیاسی، شاید مبتنی بر وجه قدرت و آمریت باشد و نه وجه علمی و آکادمیک. اگر نشان جدی از ضرورت چنین تغییری از سوی صاحب‌نظران این رشته در دانشگاه‌های مورد بررسی، وجود نداشته باشد، شاید بتوان گفت مطالبه‌ای از این دست، نه حاصل ژرفاندیشی و تأملی عمیق از سر‌نظرورزی عالمانه بلکه ناشی از گسترش دامنه قدرت به همه شئون جامعه از جمله علم و دانش است.

نتیجه‌گیری

علاوه بر ضعف سابقه، زمینه و ضرورت علمی برای پروژه بومی‌کردن علوم سیاسی، دلیل اصلی در ردّ چنین طرحی، شخصی و خصوصی شدن علوم سیاسی با این جهت‌گیری بومی‌گرایی است. در یک تقسیم‌بندی، علوم به علم جهانی و عام از یک سو و علم شخصی و خاص از سوی دیگر، قابل تقسیم است. علم جهانی با این جهت‌گیری بنا شده و به بالندگی رسیده که یافته‌ها و گزاره‌های آن، برای همه‌کس و در همه‌جا، قابل تکرار، دستیابی و استفاده است. قوانین علوم دقیقه یکی از این

نمونه‌ها محسوب می‌شود؛ همان‌طور که قواعد شناخته‌شده در علوم انسانی هم نمونه دیگری از این دست است. هنگامی که از قوانین دما و وزن در علوم طبیعی و یا طبقه‌بندی نظام‌های اجتماعی و سیاسی در علوم انسانی سخن به میان می‌آید، این امور، قابل تکرار، دستیابی و استفاده در همه‌جا و توسط همه افراد هستند؛ اما علوم شخصی و خصوصی به گونه‌ای هستند که فقط توسط همان افراد و گروه‌های باورمند به آن، قابل فهمیدن و دستیابی است و این امور به وسیله دیگران، قابل تکرار نیست. آموزه‌های اعتقادی پیروان مکاتب و مذاهب، از این نمونه به شمار می‌رود. اگر علم سیاست از شرایط جهانی کنونی خارج شود و از اساس، بر پایه مسائل بومی ایران یعنی اسلام و ایران بنا شود، این علم تبدیل به علمی خصوصی می‌شود که قضایا و گزاره‌های آن فقط توسط ایرانیان و شیعیان، قابل درک و فهم است؛ البته چنین دانشی همانند نحله‌های مختلف در علوم سیاسی در درون تکثر و تنوع این رشته قرار می‌گیرد و هرگز نمی‌تواند جایگزین آن باشد. به‌علاوه، در یک بررسی همه‌جانبه و تفصیلی، به اثرات و پیامدهایی چون خروج از بی‌طرفی علمی، خارج شدن از وضعیت آزاد و انتقادی، ایدئولوژیک شدن، خروج از روند علوم سیاسی جهان معاصر و انزوای مطلق که مترتب بر پروژه بومی‌سازی است، اشاره شده است.^(۳۲) ذکر این نکته نیز اهمیت دارد که هرگونه تحول بنیادین یا در روش و یا در موضوعات و محتوا امکان‌پذیر است. به لحاظ روش، بعید به نظر می‌رسد که روش ویژه‌ای غیر از روش‌های متداول و رایج، قابلیت طرح و تحقق را داشته باشد. از نظر موضوعات نیز بعید به نظر می‌رسد که موضوعات سیاسی غیر از موارد متداول و رایج که تمامی گستره سیاست را دربردارد، قابلیت طرح و اجرا داشته باشد. فقط از نقطه نظر محتوایی، می‌توان انتظار داشت که متفاوت از مباحث رایج و متداول، به طرح بحث اقدام کرد که این امر، در درون تنوع و تکثر علوم سیاسی قرار می‌گیرد و دیگر نمی‌تواند جایگزین علوم سیاسی موجود شود.

فقدان توانایی و توانمندی علمی لازم بر انجام چنین کاری نیز یکی از دلایل ردّ چنین رویکردی است. هنگامی که وضعیت دانش و سایر مسائل ایران، مورد مذاقه علمی قرار می‌گیرد، ملاحظه می‌شود که این کشور از حل بسیاری از مسائل خود ناتوان است. در زمینه رتبه علمی ایران، همین بس که در رده‌بندی جهانی

دانشگاه‌های کشورهای مختلف جهان، برترین دانشگاه‌های کشور، رتبه بسیار پایینی دارند.^(۳) در مورد مسائلی چون ترافیک، فقر و مساکین، تصادفات، اعتیاد، راه‌ها و جاده‌ها، آب و برق، ایران با چنان معضلاتی روبه‌روست که در برخی موارد، دچار بحران حاد و شدید است. حال، در چنین وضعیت و شرایطی، این امر که این کشور توانمندی لازم را برای تحقق چنین امر خطیری یعنی تحول بنیادین علوم انسانی و از جمله علوم سیاسی داراست، به طور جدی مورد شک و تردید است.

راهکارها

مناسب است برای تقویت بومی‌گرایی در علوم سیاسی ایران، پیوند میان دانشگاهیان و مراکز اجرایی، بیش از پیش گسترده و عملی شود تا از این طریق هم فعالیت‌های علمی دانشگاهی به دلیل پیوند با نیازهای مراکز اجرایی، جهت‌گیری بومی‌ای بیش از آنچه هم‌اکنون هست، پیدا کنند و هم یافته‌ها و نتایج تحقیقات دانشگاهی، مورد استفاده قرار گیرد. شاید معضل اصلی بر سر راه علوم سیاسی ایران، شکاف و فاصله نسبتاً قابل ملاحظه میان نهادهای علمی و مراکز اجرایی است. اگر این مراکز تمامی برنامه‌ها و سیاست‌های خود را بر اساس یافته‌ها و نتایج دانشگاه‌ها قرار دهند، به طور طبیعی، تمرکز علوم سیاسی ایران بر بومی‌گرایی بیشتر می‌شود. در هر صورت، به نظر می‌رسد برخی از موارد زیر می‌تواند به جهت‌گیری بیشتر علوم سیاسی بر بومی‌گرایی کمک کند: افزایش بودجه‌های پژوهشی مراکز اجرایی در بنیادگذاری سیاست‌گذاری بر نتایج و یافته‌های تحقیقاتی، الزام مراکز اجرایی به اخذ نظرات کارشناسی و یافته‌های تحقیقاتی نهادهای دانشگاهی، ارج نهادن به اساتید و پژوهشگران سیاسی از طریق آزاد گذاردن صاحب‌نظران سیاسی دانشگاهی در ارائه و بیان نقطه‌نظرهای کارشناسی، تکمیل اصلاح درس‌های رشته علوم سیاسی توسط دانشگاه‌های ایران با جهت‌گیری تطابق آن با محیط و شرایط ایران، برگزاری همایش سالیانه انجمن علوم سیاسی ایران با تمرکز بر روند بومی‌گرایی در علوم سیاسی در ایران، تلاش بیشتر دانشگاه‌های سیاسی با رویکرد اسلامی برای نسبت‌سنجی درست میان علوم سیاسی و علوم اسلامی، برگزاری همایش ملی از سوی تحول‌خواهان بنیادین برای بررسی و تحلیل امکان تحول بنیادین در علوم سیاسی در ایران. *

پی‌نوشت‌ها

۱. فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴، بهار ۱۳۷۸.
۲. (به کوشش غلام‌حسن مقیمی)، «وضعیت علم سیاست در ایران اسلامی»؛ در گفت‌وگو با دکتر علیرضا صدرا، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۸، بهار ۱۳۷۹، ص ۱.
۳. علیرضا صدرا، «چشم‌انداز علم سیاسی اسلامی و ایرانی نوین»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱.
۴. علیرضا صدرا، «چالش و چشم‌انداز علم سیاست متعالی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۸۴، صص ۵۹-۵۸.
۵. اعلامیه فراخوان همایش ملی چشم‌انداز دانش سیاسی در ایران، ص ۲.
۶. سخن نخست، دوفصلنامه معرفت سیاسی، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۶-۷.
۷. مایکل هری لسناف، فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، مترجم: خشایار دیهیمی، (تهران: نشر ماهی، ۱۳۷۸)، ص ۲۵۰ به بعد.
۸. همان.
۹. علیرضا ازغندی، علم سیاست در ایران، (تهران: باز، ۱۳۷۸)، ص ۱۵.
۱۰. همان، صص ۳۶-۳۵.
۱۱. همان، ص ۴۵.
۱۲. همان، ص ۴۷.
۱۳. جدول برنامه آموزشی رشته علوم سیاسی دانشگاه مازندران در بخش ضمیمه؛ تمامی ضمائم مورد اشاره در این مقاله، در دفتر مجله موجود است که در صورت درخواست پژوهشگران در اختیار آنان قرار خواهد گرفت.
۱۴. نامه شماره ۲/۷۰۷۳ مورخ ۱۳۸۶/۴/۳۰، ابلاغی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۱۵. آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها، ابلاغ ۱۳۷۹/۲/۱۰، شماره ۱۰۸۹.
۱۶. ر.ک. به «مجموعه اسناد درباره وضعیت علوم سیاسی». این مجموعه در دفتر انجمن علوم

- سیاسی ایران قابل دسترسی است.
۱۷. رجوع به «مجموعه اسناد درباره وضعیت علوم سیاسی»
۱۸. پژوهشنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره ۵، ۱۳۸۵؛ پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۸۷.
۱۹. (به اهتمام) حسین سلیمی، مجموعه مقالات بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران، (تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷).
۲۰. تفکیک موضوعی کتب منتشره نشر نی، به صورت تفصیلی، در «مجموعه اسناد درباره وضعیت علوم سیاسی».
۲۱. فصلنامه سیاست، از شماره (۰۱) تا شماره ۴ [دوره ۳۷ و ۳۸؛ از ۱۳۸۶ تا تابستان ۱۳۸۷]؛ تفکیک اصل مقالات رجوع به «مجموعه اسناد درباره وضعیت علوم سیاسی».
۲۲. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱۹۹ و ۲۰۰ تا شماره ۲۲۵ و ۲۲۶؛ جدول تفصیلی تقسیم‌بندی عنوان‌های مقالات مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی به بومی و غیربومی رجوع به «مجموعه اسناد درباره وضعیت علوم سیاسی».
۲۳. جدول تهیه‌شده توسط تحصیلات تکمیلی دانشکده در «مجموعه اسناد درباره وضعیت علوم سیاسی».
۲۴. جدول تفصیلی تقسیم‌بندی پایان‌نامه‌های ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران در «مجموعه اسناد درباره وضعیت علوم سیاسی».
۲۵. جدول گزارش پایان‌نامه‌های دانشجویان دانشگاه تهران در «مجموعه اسناد درباره وضعیت علوم سیاسی».
۲۶. جدول تفصیلی تقسیم‌بندی رساله‌های گزینش شده به بومی و غیربومی رجوع به «مجموعه اسناد درباره وضعیت علوم سیاسی».
۲۷. مجتبی مقصودی، «بررسی توصیفی عناوین پایان‌نامه‌های رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل؛ دانشگاه‌های دولتی تهران» در (به اهتمام) حسین سلیمی، مجموعه مقالات بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران، (تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷)، صص ۴۴۴-۴۳۳.
۲۸. حسین بشیریه، عقل در سیاست؛ سی‌وپنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی، (تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۲)، صص ۴۵۳-۴۴۱.
۲۹. اندرو هی وود، مقدمه نظریه سیاسی، مترجم: عبدالرحمان عالم، (تهران: نشر قومس، ۱۳۸۳).
۳۰. دیوید مارش، جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، مترجم: امیرمحمد حاجی‌یوسفی، (تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴؛ صادق حقیقت، روش‌شناسی در علوم

- سیاسی، (قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۷).
۳۱. منابع اصلی روش‌شناسی در علوم سیاسی در «مجموعه اسناد درباره وضعیت علوم سیاسی».
۳۲. مارش و استوکر، پیشین، ص ۳۲.
۳۳. حقیقت، پیشین، صص ۱۵-۷.
۳۴. مارش و استوکر، پیشین، ص ۳۱.
۳۵. دانیل لیتل، تبیین در علوم اجتماعی؛ درآمدی به فلسفه علم الاجتماع، مترجم: عبدالکریم سروش، (تهران: صراط، ۱۳۸۵)، صص ۳۹۹-۳۷۳.
۳۶. منابع اصلی توسعه در «مجموعه اسناد درباره وضعیت علوم سیاسی».
۳۷. آلون سو، تغییر اجتماعی و توسعه (مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی)، مترجم: محمود حبیبی مظاهری، (تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم، ۱۳۸۶).
۳۸. همان، ص ۱۳.
۳۹. بژورن هتته، تئوری توسعه و سه جهان، مترجم: احمد موققی، (تهران: نشر قومس، ۱۳۸۱)، صص ۲۰۹-۲۶۲.
۴۰. آدریان لفت ویچ، دموکراسی و توسعه، مترجم: احد علیقلیان و افشین خاکباز، (تهران: طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۸۲).
۴۱. آدریان لفتویچ، سیاست و توسعه در جهان سوم، مترجم: علیرضا خسروی و مهدی میرمحمدی، (تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۴).
۴۲. پیتر ایوانز، توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی، مترجم: عباس زندباف و عباس مخبر، (تهران: طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۸۲).
۴۳. اسوالدو د ریو رو، افسانه توسعه؛ اقتصادهای ناکارآمد قرن بیست و یکم، مترجم: محمود عبدالله‌زاده، (تهران: نشر اختران، ۱۳۸۳).
۴۴. ویلیام تی بلوم، نظریه‌های نظام سیاسی، مترجم: احمد تدین، (تهران: نشر آران، ۱۳۷۳)؛ سون اریک لیدمان، تاریخ عقاید سیاسی از افلاطون تا هابرماس، مترجم: سعید مقدم، (تهران: نشر دانش ایران، ۱۳۷۹)؛ بریان ردهد، اندیشه سیاسی از افلاطون تا ناتو، مترجم: مرتضی کافی و اکبر افسری، (تهران: آگاه، ۱۳۷۳)؛ توماس اسپریگنز، فهم نظریه‌های سیاسی، مترجم: فرهنگ رجایی، (تهران: آگاه، ۱۳۷۰).
۴۵. فرانکلین لوفان بومر، جریان‌های بزرگ در تاریخ اندیشه غربی؛ گزیده آثار بزرگ در تاریخ اندیشه اروپای غربی از سده‌های میانه تا امروز، مترجم: حسین بشیریه، (تهران: مرکز بازشناسی ایران و اسلام، ۱۳۸۵)؛ ژان ژاک شوالبه، آثار سیاسی بزرگ؛ از ماکیاولی تا هیتلر، مترجم: لیلیا

- سازگار، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲).
۴۶. لئو اشتراوس، *فلسفه سیاسی چیست؟*، مترجم: فرهنگ رجایی، (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷)؛ سید جواد طباطبایی، *جدال قدیم و جدید از نوزایش تا انقلاب فرانسه: تاریخ اندیشه سیاسی جدید در اروپا*، (تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۷).
۴۷. (زیر نظر) سیمور مارتین لیپست، *دایرةالمعارف دموکراسی*، مجموعه سه جلدی، مترجم: گروه مترجمان، (تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵).
۴۸. سید جواد طباطبایی، *درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران*، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸)، ص ۱۵.
۴۹. کالین های، *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، مترجم: احمد گل محمدی، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۵).
- اندرو هی وود، *مقدمه نظریه سیاسی*، مترجم: عبدالرحمان عالم، (تهران: نشر قومس، ۱۳۸۳)؛ آلن ر بال.
- گای پیترز، *سیاست و حکومت جدید*، مترجم: عبدالرحمان عالم، (تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴).
- استفان دی تنسی، *مبانی علم سیاست*، مترجم: حمیدرضا ملک محمدی، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۹).
- استیون دی تانسی، *مقدمات سیاست*، مترجم: هرمز همایون پور، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۱).
- نقد عقل مدرن، *مصاحبه رامین جهاننگلو با بیست تن از صاحب نظران و فیلسوفان معاصر*، مجموعه دو جلدی، مترجم: حسین سامعی، (تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۵).
- دیوید مارش، *جری استوکر*، پیشین.
- رونالد چیلکوت، *نظریه های سیاست مقایسه ای*، مترجم: وحید بزرگی و علیرضا طیب، (تهران: انتشارات رسا، ۱۳۷۷).
- رابرت فالتزگراف، *جمیز دثورتی، نظریه های متعارض در روابط بین الملل*، مترجم: علیرضا طیب، (تهران: نشر قومس، ۱۳۸۹).
- کریستیان دولا کامپانی، *تاریخ فلسفه در قرن بیستم*، مترجم: باقر پرهام، (تهران: نشر آگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۲).
- مایکل پین و دیگران، *فرهنگ اندیشه انتقادی؛ از روشنگری تا پسا مدرنیته*، مترجم: پیام یزدانجو، (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۶).
۵۰. یارول مانهایم، *ریچارد ریچ*، روش های تحقیق در علوم سیاسی؛ *تحلیل تجربی*، مترجم: لیلا سازگار، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷).
۵۱. برخی منابع گفتمان و هرمنوتیک در «مجموعه اسناد درباره وضعیت علوم سیاسی».

۵۲. محمود سریع‌القلم، روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، (تهران: نشر و پژوهش فرزندان روز، ۱۳۸۱)، صص ۲۹-۳۳.
۵۳. اتفرید هوفه، درباره عدالت؛ برداشت‌هایی فلسفی، مترجم: امیر طبری، (تهران: اختران، ۱۳۸۳).
۵۴. مارش و استوکر، پیشین، ص ۲۵.
۵۵. همان، ص ۳۰.
۵۶. منابع اصلی مبانی علم سیاست در «مجموعه اسناد درباره وضعیت علوم سیاسی».
۵۷. آلن بای، گای پیترز، سیاست و حکومت جدید، مترجم: عبدالرحمن عالم، (تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴) صص الف - ث.
۵۸. سو، پیشین، ص ۱۳، مقدمه مترجم.
۵۹. کریستیان دولا کامپانی، تاریخ فلسفه در قرن بیستم، مترجم: باقر پرهام، (تهران: نشر آگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۲)؛ کالین های، پیشین؛ مایکل هری لسناف، پیشین.
۶۰. مهدی رهبری، هرمنوتیک و سیاست؛ مروری بر نتایج سیاسی هرمنوتیک فلسفس هانس گنورگ گادامر، (تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۵).
۶۱. مارش و استوکر، پیشین، ص ۲۵.
۶۲. جین همپتون، فلسفه سیاسی، مترجم: خشایار دیهیمی، (تهران: طرح نو، ۱۳۸۵)؛ رابرت تالیس، فلسفه راولز، مترجم: خشایار دیهیمی، (تهران: طرح نو، ۱۳۸۵).
۶۳. اشتراوس، پیشین، صص ۵-۸.
۶۴. مونتی پالمر، لاری اشترن، چالرز گایل، نگرشی جدید به علم سیاست، مترجم: منوچهر شجاعی، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷).
۶۵. کارل ریموند پوپر، سرچشمه‌های دانایی و نادانی، مترجم: عباس باقری، (تهران: نشر نی، ۱۳۷۹).
۶۶. آلن اف چالمرز، چیستی علم؛ درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی، مترجم: سعید زیباکلام، (تهران: سمت، ۱۳۸۴)؛ دانالد گیلیس، فلسفه علم در قرن بیستم، مترجم: حسن میاننداری، (تهران: سمت. قم: طاحا، ۱۳۸۱).
۶۷. موریس دوورژه، جامعه‌شناسی سیاسی، مترجم: ابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۷۶)، صص ۱-۱۴.
۶۸. حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)، (تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۴)، صص ۴۵-۵۹.
۶۹. سید حسین سیف‌زاده، مدرنیته و نظریه‌های جدید علم سیاست، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸).
۷۰. اصغر افتخاری، «شرعی‌سازی سیاست؛ چهارچوبی معرفتی برای تحقق ایده سیاست اسلامی»،

- دوفصلنامه دانش سیاسی، شماره ۲، پیاپی ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص ۱۰۲-۶۹.
۷۱. دو شماره فصلنامه دانش سیاسی، از شماره ۱، سال اول، بهار و تابستان ۱۳۸۴ تا شماره ۱، سال پنجم، (پیاپی ۹)، بهار و تابستان ۱۳۸۸؛ جدول تقسیم‌بندی مقالات مربوط به تحول ماهوی در این مجله در «مجموعه اسناد درباره وضعیت علوم سیاسی».
۷۲. حسین جمالی، «آینده علوم سیاسی ایران در پرتو بومی‌سازی علوم انسانی»، ارائه‌شده در: همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران: اردیبهشت، ۱۳۸۹.
۷۳. برخی اطلاعات در مورد رتبه علمی ایران در «مجموعه اسناد درباره وضعیت علوم سیاسی».



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی